

تعلیم - تربیت

تعلیم و تربیت هر دو يك مفهوم ندارند تربیت تنها یاد دادن علوم است. یاد دادن نظری است. تربیت آماده کردن شاگرد یادای تکالیف زندگانی است. تعلیم بدون تربیت اغلب عالمان بی عمل حاضر میکنند. گر چه اصول علوم اصول تربیت را نیز داراست و لازم بود کسی که با اصول علوم آشناست زندگانی او نیز موافق مطلوب باشد ولی افسوس که در عمل این مقصود حاصل نمیگردد و بسا جوانان درس خوانده که کمترین تکالیف زندگانیرا نیز بجا نمی آورند. چه سود از بودن آن حقوق شناسی که حق را باطل میکند یا از آن جنگاوری که رموز و فنون نظام را خوب آشنا بوده و در باریکترین موقع وظیفه خود را بجا نمی آورد یا نقشه را به دشمن میفروشد؟

۷۲۱

علوم اخلاق را نیز با اینکه اساس آن منطقی است تنها بواسطه تعلیم صرف نمیتوان عمل کرد. ممکن است کسی در مضرات مسکرات و میکروب شناسی ثانی جالینوس و تالی بقراط باشد ولی خود بواسطه تربیت بد تریاکی یا آلکولی گردد. همچنین احکام و اوامر اخلاقیرا در راست- کوئی و فردتنی و ترك خود پرستی و خدمت بنوع و غیره میتوان از حفظ یاد گرفت و حتی آنها را از ته دل دوست داشت و باز متکبر و بد خواه و دروغگو شد. بچه ایرا که بتأثیر محیط بد یا سرایت نسلی تمام اعصاب و ساختمان تنش خراب شده و روبانحطاط گذارده مشکل میتوان بزور درس های نظری رهائی بخشید. شش سال قبل در قسمت (پروس) آلمان که از آفریایجان کوچکتر است تنها هشت هزار انتحار کرده بودند که در میان اینها ۱۳ دختر و شصت و شش نفر پسر بودند که از شانزده سال کمتر سن داشته اند. قسمت عمده ای سبب های این اقدام گذشته از ناخوشی های ارثی تربیت بد محیط بوده است و الا تمام این اشخاص بهوجب قانون تعلیم

اجباری آلمان درس خوانده و تاریخ و جغرافی یاد گرفته پایتخت بودن فلان شهر و ارتفاع فلان کوه را خوب فهمیده و همه میدانستند که چهار چهار تا شانزده میشود!

تأثیر محیط یعنی تربیت را از اوضاع اروپا در سنوات جنگ عمومی و سنوات تالی توان دید با اینکه مدارس در جای خود باقی بودند و معلومات مردم بواسطه زیاد خواندن اخبار و شنیدن اختراعات و معجزات نظامی زیاد تر شده بود محیط خونین تازه چون اسباب تربیت صحیح را از میان برده بود و زادگان دوره جنگ و اطفال آن زمان در هر مملکت محارب یا همجوار اروپا علائم مخصوصی از عصبانیت و مرض های اخلاقی نشان دادند؛ و در آخرین سال جنگ باز تنها در ایالت (پروس) بالغ به پنجاه و شش هزار نفر محکوم محکمه جنایت شدند. و از عجایب آنکه در میان این عده زیاده بر یازده هزار بچه های پسر و دختر بودند که جمله کمتر از ۱۴ سال داشتند! همه اینها تعلیم دیده بودند ولی تربیت نشده بودند چون محیط بواسطه تأثیرات جنگ از انتظام افتاده بود بچه در داخل عمارت مدرسه نقشه های رنگین و کتاب های شیرین را میدید و میخواند و هزارتا ازین قبیل نقشه و کتاب جای تأثیر بد حیات عملی را نمیداد که همان بچه در بیرون میدید.

۷۲۲

هدف معارف يك کشور بیکه خیال زنده شدن و زنده ماندن دارد باید « آدم » ساختن باشد نه تنها عالم ساختن. شاترد خوب و شایسته آنست که او را بر يك زندگانی خوب طبیعی حاضر کرده باشند. اساساً هدف معارف در قدیم همین بوده. ملت یونان که از همان اران فجر تاریخ انسان قدم هائی در بر آراستن جوانان خود برداشته است هدف تعلیماتش آدم کار آمد، آدم برای مملکت، آدم برای زندگانی حاضر کردن بود نه تنها برای دانستن اشعار (همر) یا قوانین (سلن) و یا تعالیم جالینوس و ارسطو. بعد از قرنها و عصر ها بود که درس خواندن عبارت از رسمیهائی و کتابی و نشستن و بر-خاستن و خواندن و نوشتن شد و در این ترتیب بطوریکه غلو کرده شد که

تعلیم جز آزمون طوطیانه ای مطالبی از کتابها و معلم ها نبود. امروز با اینکه کتاب و معلم هنوز از ارکان تعلیم است به قسمت تربیت یعنی فهماندن معنا و مقصود و نشان دادن فعلی زندگانی واقعی دوباره اهمیت داده میشود. یعنی از این حیث شیوه آموزش کاری باز بهمان ادرار قدیم بر میگردد. معارف امروز میخواهد قبل از هر چیز حتی قبل از طبیب و مهندس و هواپیما آدم لایق، انسان کامل حاضر نماید که بهترین و ضروری ترین مصالح برای بقای بنیان حیات یک جمعیت افرادی است که اصول و قوانین زندگانی را عملاً یاد گیرند و کار بندند.

پس بهترین مدارس امروز مدرسی است که خلاصه حیات عملی را نیز مانند حیات نظری می آموزد. مدرسه دنیای کوچکی است که فراز و نشیب زندگانی را در گروه های کوچک نشان داده و به آزمایش میگذارد. تمام رجال و بزرگان و معلمین و روحانیین ملت های بزرگ دنیا امروز بعد از تجربه های جنگ جهانی در بافته اند که یک مملکت افراد خوشخو و تن درست قادر بر ادای تکالیف زندگانی لازم دارد که با داشتن اینگونه افراد هم زر توان داشت و هم زور و بدون آنها اگر تمام عالم پراز زرباشد نتیجه ای نخواهد داشت - قارون هلاک شد که چهل خانه گنج داشت!

در یک صورت عمومی تر آن گفت که در نتیجه جنگ تقریباً در تمام ممالک بزرگ عالم تغییرات اساسی در اصول تعلیم پدید آمد و اساس این تعلیم میتواند گفت همان تهیه اسباب جنگ یعنی حاضر کردن تمام قوای جوانان است بر یک زندگانی صحیح نه تنها یاد دادن قوانین و اصول.

لوید جورج معروف رئیس دولت انگلستان در موقع جنگ در یکی از نطق های خود گفته بود: - ما انگلیزها دو دشمن بزرگ داریم و باید با آنها بجنگیم تا رها کردیم: آلمان و مسکرات! ازین قبیل دشمنان اخلاقی که در موقع صلح نیز ریشه حیات ملل را میکند زباد کشف کرده و میخواهند در نتیجه مبالغ هنگفتی که صرف معارف میکنند این دشمنان معنوی را از بین ببرند.

بودجه معارف فرانسه برای امسال گذشته یعنی ۱۹۲۸ تقریباً دو میلیارد و نیم (۲۵۶۷۳۸۴۵۰۰) فرانك بود که آن تقریباً صدی شش تمام بودجه مصارف فرانسه و از بودجه های همه وزارت خانها جز مالیه و جنگ زیاد تر بود. قریب چهار میلیون شاگردان ابتدائی و صد هزار شاگردان متوسطه و پینجاه و چهار هزار شاگردان مدارس عالییه در تحصیل اند. در فرانسه قریب هشتاد و دو هزار مدرسه ابتدائی بالغ بر پانصد مدرسه متوسطه و هفده مدرسه عالی موجود است.

بودجه معارف انگلیس قریب ۶۴ میلیون و نیم فوند (۴۶۲۹۱۰۰۰) است که تقریباً صدی دوازده تمام بودجه طبقه دوم مصارف و از بودجه تمام وزارت خانها جز وزارت بحریه و پست و تلگراف زیاد تر است.

بودجه معارف ترکیه قریب شش میلیون و نیم لیره ترك (۶۵۵۸۰۰۰) تخمین شده بود که قریب صدی سه تمام بودجه مصارف را (اعم از مصارف ذخیره ای مانند مدافعه ملت و غیره) تشکیل می دهد.

۷۲۴

سوئد کوچک که تمام اراضی مسکون و غیر مسکون آن تقریباً يك چهارم ایران بوده شش میلیون چیزی بالا نفوس دارد بودجه معارف آن قریب صد و سی میلیون و نیم کرون (هر کرون تخمیناً سه هزار دینار) و آن تقریباً صدی هیجده تمام بودجه مصارف و بااستثنای مصارف دفاع ملی از بودجه تمام وزارت های دیگر زیاد تر بود.

ژاپن در سال گذشته مبلغ صد و نوزده ملیان (بن) (هر بن تقریباً معادل شش قران) بمعارف صرف کرد و آن جز از بودجه های وزارت های جنگ و مالیه و طرق و شوارع بر تمام بودجه های دیگر بر تری داشت و تقریباً صدی ده تمام بودجه بزرگ مصارف بود. الخ.

اینهمه مبالغ بطوریکه در فوق ذکر شد دیگر برای حاضر کردن جوانانی نیست که تنها مزیت آنها دانستن است بلکه « ایدال » معارف امروز رسانیدن جوانانی است که هم از حیث قوای معنوی و هم از حیث قوای مادی مستعد يك زندگانی صحیح کاملی باشند. حتی معارف فرانسه که به

رسمیات اهمیت میداد و کتاب خواندن و حفظ کردن و امتحان دادن و بالاخره دانستن عمده ارکان تعلیمات آنرا تشکیل میداد امروز میخواهد آدم تندرست و کارآمد - آدم متین و صاحب اراده - آدم درستکار و بردبار - آدم جسور و از دشواری نترس - سخن کوتاه : آدم شایسته ، آدم واقعی ، انسان کامل حاضر نماید .

دنیا مانند اقیانوسی است مواج و تنها مللی را آب از سر نخواهد گذشت که بازوان جوانان خود را از همان اوان جوانی برای کشتی گرفتن با این امواج بی امان تربیت نمایند .

مرد کار آمد آینده تنها آن نیست که چیز هائی داند با ساختن ماشین میتواند با کتابهای فرنک را از حفظ میخواند بلکه آنستکه در فوق این صفات و صفات مشابه دیگر دارای اخلاق و سجدیه صحیحی بوده باشد و آن تنها در سایه تربیت صحیح میسر است نه تعلیم تنها .

اگر میخواهید خوشگل باشید

سظور ذیل را بخوانید

يك روزنامه انگلیسی از ده نفر از زنانیک، در اروپا بحسن و جمال معروف اند خواهش کرده است که علل خوشکلی خود را بنویسند و هر يك از ایشان نیز علت زیبایی خود را بطریق ذیل بیان میکنند :

بخ مصنوعی

یکی از ایشان میگوید : استعمال بخ مصنوعی برای زیبایی و حفظ جمال بهترین وسیله است ، من خود آنرا تجربه کرده و فایده بسیار دیده ام بخ مصنوعی صورت را نرم و قشنگ نگاه میدارد و بقفیده من خیلی بهتر است از پرداختن بلباس و استعمال رنگ و روغنهایی که زنها استعمال میکنند و اغلب سن آنها را بیش از آنچه هست نشان میدهد تاثیر بخ مصنوعی بسحر و اعجاز شبیه است ولی باید رعایت حکمت کرد و تنها به یکجای بدن نماید زیرا در اینصورت موجب اجتماع خون در همانجا